

بهایان حق دارند دین خود را تبلیغ کنند!

فاضل غیبی

اگر از نظر گاهی دمکراتیک به جهان بنگریم بهائیان حق دارند دین خود را تبلیغ کنند، همچنان که تمامی دیگر افراد و گروه‌ها، حتی "گاوپرستان" نیز، چنین حقی دارند، و اساساً برای کسب همین حق است که ایران‌دوستان در رستاخیز زن زندگی آزادی بپا خاسته‌اند. اما در این گیر و دار متأسفانه برخی از ایرانیان به سبب عدم برخورداری از تربیت و ذهنیت دمکراتیک نه تنها فقط رأی خود را درست و خردمندانه می‌دانند، بلکه دارندگان دیگر آرا و عقاید را عاری از عقل، ایران‌دوستی و آزادیخواهی می‌خوانند.

نمونه بارز این طرز تلقی و تفکر وابستگان به نسل موسوم به پنجاه و هفتی هستند که ظاهراً فراموش کرده‌اند که در آن زمان به اکثریت قاطع سینه چاک رهبری مذهبی بودند و فراندم فروردین ۵۸ نیز شیفتگی مذهبی آنان را در برابر جهانیان به نمایش گذاشت. اما بسیاری از همان‌ها امروزه نه تنها از اسلام بلکه از هرگونه دین دیگری ابراز بیزاری می‌کنند، بلکه پیروان ادیان و مذاهب دیگر را نیز به بی‌خردی و حماقت متهم می‌کنند و در عمل حق بیان عقیده برای آنان قائل نیستند و متوجه نیستند که این بار از این سوی بام افتاده‌اند.

از جمله آقای «حسن بهگر» است که خود را ملی و لائیک معرفی می‌کند، اما در طول سال‌های گذشته بارها از اینکه بهائیان به تبلیغ دین خود پردازند، اظهار نگرانی کرده است. ایشان اخیراً نیز سنگ تمام گذاشته و در نوشتاری به نام «ملی‌گرایی مدل جدید» مدعی شده‌اند که نویسنده این سطور خواستار حمله خارجی به ایران است تا حکومت اسلامی از میان برود و مردم ایران به بهائیت تغییر دین بدهند!

اما جناب بهگر گویا متوجه نیست که با این اتهام خود در وهله نخست ملت ایران را مورد توهین قرار می‌دهد زیرا از قرار معلوم چنین فرض می‌کند که ایرانیان چندان خام و ساده لوح‌اند که با تبلیغات کسانی مانند من تغییر دین خواهند داد!

البته من بر این باورم که هدف جناب بهگر از بیان چنین افاضاتی مطرح کردن خود است و بدین سبب قصد نداشتم جوابی به ایشان بدهم، اما از آنجا که برخی هنوز هم مانند ایشان فکر می‌کنند و هم اینکه ایشان شخص مرا مورد خطاب قرار داده‌اند، لازم دیدم تا در یادداشتی نشان دهم که نوشته آقای بهگر در درجه اول توهین به ملت ایران است.

آقای بهگر به نمونه اعراب وحشی که پس از حمله به ایران و ویرانی این سرزمین، ایرانیان را مجبور به "پذیرش" اسلام کردند، بر این تصور است که امروزه نیز با اشغال ایران توسط نیروهای خارجی می‌توان ملت ایران را به پذیرش دین یا مذهبی جدید وادار کرد!

اما اصل آزادی بیان بر این پایه استوار است که شهروندان از قدرت تشخیص برخوردارند و بنابراین می‌توانند نظرات و آرای درست را از یاوه‌گویی تمیز دهند. من نمی‌دانم آقای بهگر کجای این جهان زندگی می‌کند، اما هر کجا که باشند ظاهراً نشیده‌اند که بنا به آمار موثق، امروزه فقط ۳۲ درصد ایرانیان خود را مسلمان شیعه می‌دانند و حدود نیمی از آنان خود را به کلی "بی‌دین" معرفی می‌کنند. بنابراین مدت‌هاست که بخش بزرگی از مردم ایران عقیده دینی - مذهبی خود را حتی بدون وقوع حمله خارجی تغییر داده‌اند! آیا آقای بهگر با توجه به رشد فکری مردم ایران هنوز هم می‌ترسد که مبادا بهائیان با تبلیغات خود مسلمانان ایرانی را گول بزنند؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به ایرانیان نیست که تصور رود چندان خام و ساده‌لوح هستند که بر مبنای تبلیغات دینی - مذهبی باورهای خود را تغییر خواهند داد؟

آخوندها در طول سده‌های گذشته بنا به تبعیت از قرآن توهین و تحقیر نبوده که نثار پیروان ادیان دیگر نکرده باشند، تا امت گوش به فرمان خود را از آنان بترسانند. با این وصف جای شگفتی است که امروزه آقای بهگر با قاطعیت اعلام می‌کند که: «در شرایط خطیر کنونی عنوان کردن تغییر دین در حقیقت اعلان شروع جنگ مذهبی است.» برای چه کسانی فقط «عنوان کردن تغییر دین» بهانه کافی برای دست زدن به جنگ مذهبی است؟ آیا کسی به آقای بهگر نگفته که مدت‌هاست دوران جنگ‌های مذهبی به سرآمده و آنچه در جهان امروز باعث خونریزی می‌شود جنگ ایدئولوژی‌ها است؟ و نیز در حال حاضر این اسلام است که به عنوان خشن‌ترین ایدئولوژی به بزرگ‌ترین ترورها و جنگ‌ها دامن می‌زند؟!

اما ترفند جالب آقای بهگر این است که گویا ایشان فکر می‌کند میچ بهائیان را گرفته است، که از یک طرف مدعی‌اند در سیاست دخالت نمی‌کنند و از طرف دیگر برخی از آنان در رسانه‌ها درباره موضوعات سیاسی اظهار نظر می‌کنند! اما ایشان با این سخن تنها بی‌اطلاعی خود از این امر بدیهی را به نمایش می‌گذارد که «عمل سیاسی» با «تبادل نظر سیاسی» تفاوتی مهم و اساسی دارد.

هر شهروندی باید بتواند با همفکران خود از راه فعالیت گروهی و حزبی به مسئولیت و مقام سیاسی برسد و از آن جایگاه در راه تحقق اهداف و نظرات خود بکوشد. این گونه «دخالت در سیاست» همه جا امری داوطلبانه و اختیاری است و آقای بهگر باید خوشحال باشد که بهائیان علاقه‌ای به فعالیت حزبی ندارند و میدان کنشگری سیاسی را به ایشان و همفکرانشان واگذاشته‌اند. اما آگاهی و تبادل نظر درباره مسایل اجتماعی و سیاسی وظیفه همه شهروندان است

و بر همه واجب است که آگاهانه به خاطر تحکیم خرد جمعی درباره موضوعات و راه غلبه بر مشکلات اجتماعی تبادل نظر کنند. بنابراین اگر فردی بهائی در رسانه‌ها درباره مطالب کشوری اظهار نظر و گفتگو می‌کند، این دخالت در سیاست نیست، بلکه عمل به وظیفه شهروندی است!

البته برای مسلمانی که دین او عین سیاست است درک اینکه ادیان دیگر می‌توانند واقعاً از حکومت جدا باشند قابل تصور نیست و به ویژه رفتار بهائیان که در دوران قاجار برای نخستین بار از جدایی دین و دولت سخن گفتند و دین خود را امری وجدانی و خصوصی تعریف کردند، قابل درک نخواهد بود.

البته ناآگاهی جناب بهگر از بدیهیات مشکل خود ایشان است و او حق دارد درباره هر چیزی بنویسد و نوشته خود را منتشر کند؛ اما در عین حال ایشان باید بدانند که آزادی بیان محدود به این است که نمی‌توان به دیگران توهین کرد و برای مثال بدون دلیل این گونه بنویسد: «غیبی مانند همه باورمندان مذهبی به میهن اعتقادی ندارد.»!

مگر اینکه بپذیریم که درک ایشان از ملی‌گرایی کاملاً خاص است؛ و گرنه چگونه ممکن است که کسی خود را ملی‌گرا بنامد، اما پس از گذشت یک سال که در کوران آن رستاخیز زن زندگی آزادی، حکومت وطن‌فروش آخوندی را به سرایش سقوط رانده است کمک حکومت اسلامی به «نیروهای نیابتی» خود را «قابل فهم» بنامد و بنویسد:

«هر حکومتی در سیاست خارجی به گروه‌ها و کشورهایی که از نظر راهبردی نزدیکند کمک می‌کند و ج.ا. مستثنا نیست بویژه آنکه حکومت ایدئولوژی اسلامی را برگزیده است و باید به گروه‌هایی که از نظر فکری به آن نزدیکند یاری کند. این کمک صرفنظر از اینکه با این سیاست موافق یا مخالف باشیم قابل فهم است.» (مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی» ۱۴ آبان ۱۴۰۲)

اینکه «ملی‌گرایی» آقای بهگر چنان است که باعث می‌شود نسبت به سیاست خارجی حکومت اسلامی احساس تفاهم داشته باشد، همان قدر طبیعی است که مسلمانیت ایشان توتالیتیر بودن حکومت اسلامی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد: «این را هم بگویم که مشکل جمهوری اسلامی فقط به سبب توتالیتیر بودنش نیست چیزی که از آن غیبی پرهیز می‌کند بگوید دینی بودن این حکومت است.»

بنابراین ایشان نه تنها مشکلی با حکومت اسلامی ندارد، بلکه از اینکه من نوشته‌ام حمله به مراکز نظامی حکومت اسلامی به ملت ایران برای رسیدن به هدف خود یاری می‌رساند، برآشفته شده و چنان سخن می‌گوید که گویی از

اینکه در سال گذشته هزاران جوان ایرانی در خیابان‌ها تنها برای اینکه خواست خود برای گذار از حکومت اسلامی را فریاد کرده‌اند، کشته، دستگیر و زندانی شده‌اند، اطلاعی ندارد و لاجرم با تمسخر می‌پرسد:

«از کی تا بحال دعوت به بمباران کشور اقدامی میهن‌دوستانه و انسانی شده است؟ که گفته که نابودی دو پادگان یا مرکز صنعتی نظامی یا... باعث می‌شود «مردم به هدفشان برسند»؟ کدام هدف؟ با کدام رهبری؟ به چه ترتیب؟ همه اینها دروغ است و مقصود توجیه حمله به ایران است و تضعیفش در برابر فشار خارجی.»

بله، آقای بهگر، همه اینها دروغ است و مقصود پیشگیری از تضعیف حکومت اسلامی است که آن را با ایران عوضی گرفته‌اید!

* گفتاوردها از: «میهن دوستی مدل جدید» - حسن بهگر

۱۱ دسامبر ۲۰۲۳